

جزوه مهارت «روش ترجمه»

مقدمه

ترجمه یکی از ارکان اصلی هر زبان در جای خود یکی از اساسی‌ترین عوامل فرهنگ و تمدن هر جامعه به شمار می‌رود. ترجمه از مهم‌ترین وسایل ارتباط، انتقال و لقاء افکار و سازنده ملتها به یکدیگر است و اکنون که علم در تمام زمینه‌ها به سرعت در حال گسترش و پیشرفت است و دستیابی به تازه‌های علمی در جای جای جهان صورت می‌پذیرد، تنها راه بهره‌مندی از این تازه‌ها، ترجمه و برگردان این یافته‌های جدید به زبان هر ملت است. از این رو ترجمه لازمه بهبود زندگی اجتماعی، اقتصادی و صنعتی کشورها بوده و از جمله راه‌های بهره‌گیری از تجارب آنها در زمینه‌های مختلف علم و ادب و صنعت و هنر است.

نکته قابل توجه در ترجمه این است که مترجم باید علت، هدف، مخاطب ترجمه، مسایل، ضرورت‌ها و ارجحیت‌ها را مدنظر داشته باشد تا با اولویت‌بندی هر کدام از آنها و در نظر گرفتن توانایی و دانش خود اقدام به کار نماید.

در حوزه‌های علمیه که مهم‌ترین منابع درسی و کمک درسی در زمینه علوم دینی، به زبان غیر فارسی و غالباً عربی است، اهمیت کار ترجمه با وضوح بیشتری به چشم می‌خورد و ضرورت ترجمه این متون را برای انتقال مفاهیم و تازه‌های علمی جدید در این مراکز دو چندان می‌نماید. از آنجا که برخی از طلاب تمایل دارند برای پایان نامه خود متونی را برای ترجمه برگزینند، ضروری است که با شیوه‌های ترجمه و برگردان زبان آشنا بوده و در ضمن الگویی برای مراحل مختلف انتخاب متن و ترجمه آن مطابق با معیارهای حوزه علمیه خواهران در دست داشته باشند. از این رو شایسته است شاخصه‌هایی تعیین شود تا متون دینی در قالب شناخته شده‌ای ترجمه شوند. چرا که دانستن زبان تنها برای ترجمه کافی نیست و مترجم باید با اصطلاحات یک دانش آشنا باشد (کاری که هنوز در هیچ کجا به طور جدی انجام نشده است).

در این نوشتار برآنیم تا به طور کلی مطالبی را در باب ترجمه و آیین آن به نگارش درآوریم و تا جایی که امکان دارد، رهیافت‌های مورد نظر در این کار را مشخص نمائیم تا راهنما و پاسخگوی سؤالات و نیاز کسانی باشد که در این راه قدم گذاشته و دست به کار ترجمه متون دینی می‌شوند.

از آنجایی که متن ترجمه، اصول، معیارها و شیوه خاص خود را دارد، این راهنما با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و منابع موجود تهیه شده است تا ترجمه‌های حوزوی به شیوه‌ای یکسان و به صورت ضابطه‌مند ارائه شود. رعایت تمام اصول و معیارهای این راهنما برای طلاب متقاضی ترجمه الزامی است.

تعریف ترجمه

ترجمه به لحاظ لغوی ترجمه بر وزن فعلله است.

ارائه تعریف دقیق و فنی از ترجمه کار ساده‌ای نیست. تعاریف متعددی از ترجمه انجام شده که غالباً کلی و نظری است. در کتب متعدد نویسندگان با ارائه تعاریف مختلف از مترجمان گوناگون، سعی کرده‌اند تعریفی جامع و فراگیر از ترجمه ارائه دهند که بعضی از آنها عبارتند از:

- فرآیند جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ (زبانی که از آن ترجمه می‌شود) به وسیله عناصر متنی زبان مقصد (زبانی که به آن ترجمه می‌شود) که طی آن مترجم باید سعی کند با این عمل جایگزین‌سازی خود زمینه‌ای را فراهم بیاورد که در آن نویسنده اصلی و خواننده متن ترجمه با هم به تعامل و تأثیر متقابل بپردازند.

- برگردان یک واژه، مطلب، متن، مفهوم و یا اندیشه از زبانی به شکل زبان دیگر، به نحوی که حداکثر رسالت و حفاظت محتوای آن موضوع رعایت شود و در عین حال برای خواننده‌ای که به زبان او برگردانده شده، به بهترین شکل ممکن قابل درک، فهم و بهره‌برداری باشد. (انتقال یک معنا از زبانی به زبان دیگر)

* در زبان عربی به کسی که ترجمه می‌کند، ترجمان گفته می‌شود.

* ترجمه فن و مهارت است اما علم نیست زیرا جدای از مباحث نظری نیاز به تمرین و کار عملی و مهارت دارد.

* ترجمه گاهی به دو معنای دیگر هم بکار می‌رود که ارتباطی با بحث ما ندارد: ۱- ترجمه به معنای تفسیر ۲- ترجمه به معنای شرح حال و زندگینامه.

انواع ترجمه

ترجمه بر اساس آنکه به شکل زبان مبدأ توجه داشته باشد یا به معنای آن، به سه نوع تقسیم می‌شود:

- **ترجمه تحت‌اللفظی:** ترجمه کلمه به کلمه است که اصولاً معلول عدم آشنایی مترجم به هر دو زبان و کاربرد نادرست واژگان، اصطلاحات و عبارات اصطلاحی آنها می‌باشد. (ظاهره صفارزاده، اصول و مبانی ترجمه، تهران: نشر همراه، ۱۳۸۰، ص ۲۹). بیشتر مترجمان که قصد ترجمه تحت‌اللفظی را دارند در واقع نوعی ترجمه تحت‌اللفظی تا حدودی تعدیل شده را به کار می‌برند که در این نوع ترجمه مترجم تا جایی که معانی کاملاً بی‌ربط نباشد، ترجمه را تعدیل می‌کند.
- **ترجمه اصطلاحی (ترجمه روان):** در این ترجمه، مترجم در ساختارهای دستوری و انتخاب اقلام واژگانی از شکل‌های طبیعی زبان مقصد استفاده می‌کند. اصل غالب در این نوع ترجمه این است که معنای زبان مبدأ را (یعنی توانایی را که منظور نظر ابلاغ‌کننده اصلی است) به شکل طبیعی زبان مقصد مجدداً ارائه می‌کند. در ترجمه اصطلاحی چنین به نظر می‌رسد که در اصل، ترجمه به زبان مقصد نوشته شده است و غالباً مترجمان خوب، سعی دارند به صورت اصطلاحی ترجمه کنند.
- **ترجمه آزاد:** این ترجمه، ترجمه‌ای است که اطلاعاتی اضافه بر آنچه در متن مبدأ آمده به آن افزوده شده است و مترجم پیام متن مبدأ را صرف‌نظر از آرایش ردیفی زبان مبدأ به صورت آزاد در چهارچوب زبان مقصد ترجمه می‌کند. این نوع از ترجمه برای انتقال علوم و آموزش همگانی می‌تواند مناسب باشد و یا برای متونی که ترجمه آن غیر ممکن باشد؛ چرا که آسانترین راه برای انتقال دانش به جویندگان آن، آسان‌سازی علم و حذف اصطلاحات پیچیده و نوشتن با قلمی روان و نثری گویا است که این امر جز از طریق ترجمه آزاد صورت نمی‌گیرد. در این ترجمه معنا لزوماً همان چیزی نیست که در زبان مبدأ وجود دارد، بلکه مفهوم و محتوای کلی آن همراه با توضیحاتی دیگر به زبان مقصد ترجمه می‌شود. از این‌رو کاری متقن و مورد اعتماد برای فعالیت‌های علمی به‌شمار نمی‌رود و برای گسترش دانش عمومی میان عموم مردم کارآیی دارد و مورد پذیرش بسیاری از اهداف نیست.

توجه به این نکته ضروری است که ترجمه تحت‌اللفظی از آنجا که به ندرت روان بوده و کلمه به کلمه متن زبان مبدأ در آن ترجمه می‌شود، زیاد خوشانید نیست و متن دقیق و موجزی از آن به دست نمی‌آید.

ترجمه آزاد نیز همانطور که گفته شد اطلاعاتی بیش از حد بر موضوع متن اصلی می‌افزاید که گاهی موجب تحریف متن مبدأ می‌شود.

اما ترجمه اصطلاحی از آنجا که هدف بیشتر مترجمان خوب قرار می‌گیرد می‌تواند گزینه مناسبی برای کار ترجمه باشد؛ هرچند غالباً همین نوع ترجمه نیز مخلوطی از انتقال تحت‌اللفظی واحدهای دستوری به همراه ترجمه اصطلاحی معنای واژگان می‌باشد.

روش مناسب ترجمه در پایان نامه و تحقیقات پایانی حوزوی

از آنجا که طلاب گرامی معمولاً در حیطة متون دینی دست به کار ترجمه می‌شوند باید بیش از هر چیز به دو موضوع خاص در ترجمه این نوع متون توجه کنند:

- بافت و نظام متنی زبان مبدأ

مترجم باید در ترجمه متون دینی به نظام عناصر آشنا- ناآشنا و نیز چگونگی آرایش کلمات در داخل جملات توجه کافی داشته باشد؛ چرا که کوچکترین تغییر در این عناصر منجر به تحریف پیام و دخالت در محتوای آن می‌شود و متون دینی به لحاظ ماهیت ویژه خود تحمل چنین تحریف و دخالتی را ندارد.

- مسائل فرهنگی

به لحاظ اینکه مفاهیم این نوع متون ممکن است از نظر فرهنگی، ناهمگونی وسیعی با فرهنگ زبان مقصد داشته باشد، بر این اساس ممکن است مترجم در یافتن معادل در زبان مقصد برای اینگونه مفاهیم دچار مشکل شود. برای رفع این مشکل، مترجم باید توضیحاتی را در زیرنویس و به صورت حاشیه برای مطالب بیاورد تا بدون اینکه ضربه‌ای به متن اصلی بخورد، معنا واضح و روشن شود.

این امر به دلیل یکی نبودن بانک دانش مخاطبان اولیه و بانک اطلاعات مخاطبان زبان مقصد، اتفاق می‌افتد و بنابراین بر مترجم لازم است که بسیاری از اطلاعاتی را که نویسنده اصلی به صورت ضمنی باقی گذاشته است، با صراحت بیان کند، در عین حال باید بسیار دقت کند که با افزودن این گونه اطلاعات، هدف نویسنده اصلی را دگرگون نکند. از این روست که باید توضیحات به صورت حاشیه نه درون متن اصلی آورده شود. با لحاظ نکات پیش گفته، طلاب در پایان‌نامه‌های خود می‌بایست از روش ترجمه اصطلاحی استفاده کنند.

اهداف ترجمه

هر ترجمه‌ای که از زبانی به زبانی دیگر صورت می‌گیرد، هدفی خاص را دنبال می‌کند. به طور کلی نیاز به ترجمه از آن زمان آغاز شد که انسان‌ها به علت اختلاف در زبان، فرهنگ و رفتار جوامع خود، از درک عقاید و افکار انسان‌های دیگر از جوامع مختلف عاجز بودند و ترجمه، عامل از میان برداشتن موانع و پل ارتباطی جوامع گوناگون گردید. اهم اهداف ترجمه را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- انتشار افکار، عقاید و مفاهیم مردم کشوری برای کشور دیگر.
- برقراری ارتباط بین افراد یا گروه‌ها با زبان و فرهنگ متفاوت.
- آشنایی با آداب، رسوم، عقاید و آگاهی از نظریات و افکار مردمان دیگر.

- کسب اطلاع از علوم، فنون، تکنولوژی مدرن و تحقق آن در رشته‌های مورد نیاز.
- انتقال آراء نویسندگان و اندیشمندان یک جامعه به جوامع دیگر.
- کسب آگاهی از حوادث، ماجراهای تاریخی و تجارب گذشته ملل دیگر.
- کمک به گستردگی ارتباطات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و برگردان آثار سازنده و مفید به زبان مقصد.
- تبادل و انتقال تجربه‌های علمی، فرهنگی، هنری، حقوقی، اقتصادی، فنی و غیره.

اما به طور کلی طلاب محترم می‌توانند با توجه به مسایل و عواملی که آنان را به کار ترجمه ترغیب نموده و با توجه به موضوع متنی که ترجمه می‌کنند اهداف خاص خود را ذکر نموده و آن را در طرح تحقیق برشمارند.

سبک و لزوم رعایت آن:

هر نویسنده بر اساس هدفی که دارد از ساختارهای گرامری مختلف و اقلام واژگان گوناگون برای ایجاد تأثیرات خاص مورد نظر خود استفاده می‌کند که به آن سبک می‌گویند. منظور از سبک در واقع شیوه بیان متن زبان مبدأ است. سبک یا شیوه بیان یک نویسنده با توجه به موضوع و مخاطب مورد نظر وی دارای ویژگی‌های خاصی است به طوری که سبک یک داستان با سبک نگارش مقاله علمی متفاوت است و نویسنده بر اساس این دو عامل، شیوه خاصی را برای نگارش بر می‌گزیند و در طول متن خود آن را رعایت می‌کند. رعایت سبک متن زبان مبدأ در ترجمه، یکی از اجبارات مترجم است و همانطور که نویسنده سبک خاصی را برگزیده و در نوشتن، موضوع و مخاطب متن خود را در نظر گرفته، مترجم نیز نمی‌تواند در تغییر سبک اختیاری از خود داشته باشد زیرا چنین اختیاری به قربانی کردن سبک متن زبان مبدأ خواهد انجامید. وظیفه مترجم آن است که انگیزه نویسنده و هدف او را از انتخاب این نوع سبک به دست آورد و آنگاه این مقصود را با آگاهی از هر دو زبان مبدأ و زبان مقصد و فرهنگ آنها به گونه‌ای اثر بخش برگرداند. طلاب گرامی باید توجه داشته باشند که در متون دینی نیز در آغاز هر ترجمه و قبل از شروع هر کار، باید برای به دست آوردن و مشخص کردن چگونگی سبک هر متن بکوشند و عناصر آن را تحلیل کنند که یافتن و رعایت سبک در ترجمه، خود مستلزم نوعی شناخت زبان است که از آگاهی و وقوف بر ظرایف آن زبان نشأت می‌گیرد. در تعیین سبک، دو عامل در دسترس مترجم قرار دارد که باید به آنها توجه کند: ۱- واژه‌های به کار رفته در متن ۲- طرز قرار گرفتن آنها در کنار یکدیگر. ذکر این نکته حائز اهمیت است که در انتقال سبک نویسنده در ترجمه متن، آنچه باید مد نظر قرار گیرد، نوع مخاطب است، یعنی در عین حال که رعایت سبک نویسنده از الزامات یک ترجمه است اما مترجم می‌تواند برای انتقال آن از دو شیوه بهره گیرد: تقلید و جایگزینی. جایگزینی به معنای یافتن سبکی مشابه در زبان و ادبیات مقصد است و تقلید صرفاً تکرار ابزار صوری سبک اصلی است. اینکه مترجم از این دو طریق کدام را انتخاب کند بیشتر به نوع مخاطب بستگی دارد. ممکن است مخاطب ویژگی سبک اصلی را درک نکنند مگر اینکه تغییراتی در ترجمه به لحاظ سبک آن به وجود آید. ولی گاهی نیز خواننده به شکل سبک اصلی علاقه‌مند است و یا قادر به درک آن می‌باشد، که در این صورت سبک متن اصلی حفظ می‌شود.

اصول ترجمه:

فن ترجمه همانند هر فن دیگری دارای قواعد و اصول مختص به خود است که پیروی از آنها برای انجام یک ترجمه کامل از هر جهت مطلوب و الزامی است.

البته باید خاطر نشان کرد که این اصول از نظر نویسندگان و مترجمان مختلف به گونه‌های متفاوت در نظر گرفته شده اما روح کلی حاکم بر آنها تقریباً ثابت است.
اصول ترجمه را کلاً می‌توان بر دو نوع تقسیم کرد:

- اصول نظری
- اصول عملی

اصول نظری ترجمه بر مبنای نظریات اهل ترجمه استوار است و معمولاً شامل کلیه قواعد، روش‌ها و آگاهی‌های مختص به ترجمه بوده شامل ۴ اصل زیر است:

- اصل امانت: یکی از مهم‌ترین اصولی که باید در انجام ترجمه رعایت شود این است که مطلب یا متنی که برای ترجمه در اختیار مترجم قرار می‌گیرد، حکم امانت را دارد. مترجم نباید در آن دخل و تصرف‌های بی‌رویه یا خودسرانه و غیرضروری انجام دهد. او باید تنها پیام اصلی نویسنده را به بهترین وجه ممکن به زبان مقصد بیان کند و از افزودن یا کم کردن کلمات و جملاتی که ممکن است به متن اصلی لطمه وارد سازد، خودداری کند.
- اصل امانت در ترجمه ایجاب می‌کند که مترجم بتواند با ذوق سلیم و طبع لطیف خود متن زبان مبدأ را به زبان مقصد طوری برگرداند که خواننده متن:

- با جملات نامأنوس و دور از ذهن مواجه نشود.
- با کلمات نا متعارف روبه‌رو نگردد.
- با ساختارهای عجیب و بیگانه همگام نشود.
- اصل دقت: رعایت این اصل موجب می‌شود مترجم در چهارچوب واژه‌ها عبارات و اصطلاحات، منظور و مقصود اصلی نویسنده را از پیام مبدأ استنباط کند و آن را بدون کمترین دخل و تصرف غیر لازم به زبان مقصد برگرداند. مترجم باید سعی کند با انتخاب بهترین معادل از کمترین لغزش‌ها جلوگیری کند و دقت لازم را در انتخاب آنها به کار بندد. اما باید توجه نمود که مفهوم دقت مصداقش بسته به متن تفاوت می‌کند؛ به طوریکه نوع دقتی که در ترجمه متون و حیانی و علوم ریاضی لازم است با متونی که با زبان طبیعی و خصوصیات مشترک بشری یا فرهنگی سروکار دارد، بیشتر است.
- اصل وفاداری: آن که مترجم نسبت به نویسنده زبان مبدأ وفادار باشد و پیام متن را بدون هیچ کم و کاست به زبان مقصد ترجمه کند.
- اصل صداقت: از آنجا که مترجم به منزله عامل و عنصر و وسیله ارتقا علمی و فرهنگی جامعه به‌شمار می‌رود وظیفه بسیار خطیری به عهده دارد و بایستی همواره در کار ترجمه با راستی و درستی عمل کند و از به کار بردن نکات و اصطلاحات انحرافی بپرهیزد و آنچه را نویسنده در نظر داشته است به طور کامل و صحیح بیان کرده و کوچکترین نظر خود را در متن ننگاند.
- اصول عملی:
- سازش‌های واژه‌ای و دستوری:

منظور از سازش‌های واژه‌ای و دستوری آن است که مترجم برای اینکه پیام زبان مبدأ را از لحاظ معنی، منظور، مفهوم، سخن و سایر جنبه‌های کلام حفظ کند، باید آن را از زبان مبدأ جدا کند و دوباره آن را به فرم زبان مقصد بیافریند. برای انجام این

کار مترجم نیازمند برخی تغییرات، تعدیلهای و تطبیق‌های واژه‌ای و دستوری است. در این راستا ممکن است لازم شود مترجم برای رسیدن به مقصود نهایی اعمال زیر را انجام دهد:

- مفردی را جمع یا جمعی را مفرد کند.
- زمان فعلی را از گونه‌ای به گونه دیگر درآورد.
- فعل معلومی را به فعل مجهول و فعل مجهولی را به فعل معلوم درآورد.
- قواعد دستوری را به مقتضای کلام کم یا زیاد کند.
- جمله‌ای را که با فعل لازم بیان شده، به صورت جمله‌ای که با فعل متعدی بیان می‌شود، تبدیل کند.
- اصل انتخاب نزدیک‌ترین معادل:

منظور از این اصل این است که مترجم باید برای تهیه یک ترجمه روان، نزدیکترین معادل‌ها را در زبان مقصد شناسایی کند تا متن مورد ترجمه غیرعادی و نامأنوس جلوه نکند.

- اصل برتری معنی:

در هر زبان، معمولاً اکثر واژه‌ها دارای یک معنای اصلی و چندین معنای مجازی می‌باشند. در بسیاری موارد، تفاوت معنای یک واژه بسیار کم و ناچیز است. هر زبانی برای بیان معنایی به کمک واژه‌ها از یک رشته امکانات ویژه استفاده می‌کند و مترجم باید از این امکانات آگاه باشد تا متوجه تمامی معنای واژه باشد و حاصل کار او در حد مطلوب واقع شود.

- اصل ماهیت سبک: توضیحات آن قبلاً ارائه گردید.

آنچه مسلم است این است که مترجم، برای ارائه یک ترجمه خوب و دقیق علاوه بر آنکه از اصولی که چهارچوب کلی کار را شکل می‌دهد تبعیت می‌کند، باید خود نیز دارای ویژگی‌ها و توانایی و پیشینه فکری مناسبی باشد که به نظر می‌آید مهمترین آنها عبارتند از:

- مترجم باید نسبت به متنی که ترجمه می‌کند درک کارشناسانه و دانش کافی داشته باشد. یعنی در زمینه متنی که ترجمه می‌کند با شناخت کافی از منابع، کتاب‌های راهنما و کتابخانه به دانش نخستین خود در زمینه مربوط ژرفای لازم را ببخشد.
- مترجم باید دانش زمینه و معلومات عمومی از کشور زبان مبدأ داشته باشد و این از ضروریات ترجمه است. چرا که بدون داشتن این معلومات، درک و فهم بسیاری از نکته‌ها و اشاره‌هایی که در متن آمده اما شرح کافی نیافته است، برای مترجم دشوار و حتی ناممکن خواهد بود.
- از آنجا که هر فرهنگ مجموعه‌ای پیچیده از نگرش‌ها، اعتقادات، ارزشها و قوانینی است که گروهی از مردم در آن مشترک‌اند و نویسنده متن مبدأ، این اعتقادات و نگرشها و... مخاطبان را که برایشان می‌نویسد، در نظر داشته است، مترجم نیز باید متن را مطابق با فرهنگ زبان مقصد برای آنها ترجمه کند بدون اینکه لطمه‌ای به متن اصلی وارد نماید. چرا که در هر فرهنگی اصطلاحات و اعتقادات و نگرش‌هایی وجود دارد که بار فرهنگی آن در زبان مقصد متفاوت است و معنا و مقصودی متفاوت را می‌رساند. بنابراین مترجم با احاطه کامل بر فرهنگ هر دو زبان، همیشه مراقب باشد که چیزی غلط معنا نشود و بد تفهیم نگردد و قبل از هر چیز حال و هوای فرهنگی آن متن را بفهمد و هر متن را با تحقیق و دقت در زمینه فرهنگی مرتبط، به زبان مقصد ترجمه کند.

در کار ترجمه، ظرایف و نکات خاصی وجود دارد که کمابیش همه نویسندگان به نوعی به آن اذعان داشته و با شیوه‌های مختلف آنها را بیان کرده‌اند.

در این قسمت با توجه به مطالب بیان شده، به اجمال می‌توان موارد زیر را که برگرفته از کتب متعدد است، به عنوان اصول کلی بدین شرح ارائه داد:

- ترجمه یک نوع اطلاع‌رسانی و بازگویی است و اگر مترجم موارد مبهم را به اجمال بگذراند، ترجمه قابل قبولی صورت نگرفته است.
- اصطلاحاتی در زبان مبدأ هست که یافتن معادل خوب برای آن در زبان دوم از اهمیت بسزایی در ترجمه برخوردار است. لازمه این کار مطالعات گسترده و پردامنه مترجم در زبان مقصد و اطلاع کافی از چند و چون آن زبان و ظرافت‌های کلام است.
- در ترجمه باید محتوای متن و قصد نویسنده به خوبی درک شود.
- مترجم باید از دانش وسیعی، در زبان مبدأ و مقصد برخوردار باشد.
- از ترجمه لفظ به لفظ که هم به مفهوم متن اصلی و هم به زیبایی آن لطمه وارد می‌کند پرهیز شود.
- واژگان درست و دقیق انتخاب شود.
- متن ترجمه شده از نظر دستوری با متن اصلی تطابق داشته باشد.
- سبک متن مورد ترجمه به خوبی مشخص شده باشد.
- اصل مهم در ترجمه وفاداری است. مترجم باید هرچه را در متن اصلی یافت می‌شود بی‌کم و کاست منتقل کند و در عین حال که ضوابط و معیارهای زبان مقصد را رعایت می‌کند خارج از چهارچوبی که در متن مبدأ هست، قدم برندارد.
- از اصول اساسی در ترجمه، برابری در متن است. یعنی از ترجمه انتظار می‌رود که با اصل برابر باشد و کیفیت‌های متن مبدأ در آن حفظ شود.
- هر متن باید با دقت و تحقیق در زمینه فرهنگی خودش به زبان مقصد ترجمه شود.
- ترجمه باید در عرصه عمل کارآیی لازم را داشته باشد و با متن اصلی در درکی که خواننده نسبت به آن پیدا می‌کند، برابری کرده قابل فهم باشد.

معیارهای متن مورد ترجمه:

متونی که برای ترجمه انتخاب می‌شوند باید دارای شرایط و ویژگی‌هایی باشند تا ترجمه اثر را معتبر و ارزنده سازند. به خصوص متونی که برای پایان نامه ترجمه می‌شوند. معیارهای مورد نظر حوزه‌های علمیه خواهران عبارتند از:

- متن مورد ترجمه باید از جمله منابع معتبر برای رشته مورد نظر باشد.
- از نظر تخصصی، متن، درست و مطابق معیار باشد.
- متن انتخابی برای ترجمه باید در مقایسه با منابع مشابه موجود، بهتر و کاملتر باشد.
- متن اصلی قبلاً ترجمه نشده باشد مگر اینکه کیفیت کار در اثر حاضر بیش از ترجمه قبلی باشد.
- ترجمه متن با توجه به منابع موجود در زبان مقصد ضرورت داشته باشد.

- در مطالب متن مورد ترجمه نوآوری وجود داشته و مطالب به روز باشد.
- نیاز جامعه علمی به ترجمه اثر در نظر گرفته شده باشد.
- در ترجمه هر متن باید به کار ویژه های آن متن توجه شود. مثلاً برای مخاطبان با تحصیلات عالی.
- ترجمه باید از زبان اصلی کتاب مبدأ باشد نه ترجمه آن.
- از آخرین ویرایش کتاب اصلی برای ترجمه استفاده شود.
- موضوع با گرایش تحصیلی طلبه همخوانی داشته باشد.

اصول نگارش متن مورد ترجمه:

- شیوایی نثر فارسی در ترجمه متون غیر فارسی به فارسی رعایت شود تا درک مطلب به سهولت انجام گیرد.
- معادل کلمات به دقت انتخاب شود و اصل یکنواختی واژه‌ها در تمامی متن رعایت شود.
- به علائم نگارشی و نقطه‌گذاری توجه شود.
- ویرایش ادبی مناسبی از متن ترجمه شده صورت گیرد.
- توضیحات مطالب به صورت شرح نویسی و پاورقی آورده شود.

همانطور که ملاحظه گردید آشنایی مترجم به دو زبان کافی نیست؛ بلکه مترجم باید با فرهنگ هر دو زبان آشنا باشد تا بتواند آگاهی‌های لازم را به خواننده بدهد. در پاره‌ای موارد هرگاه توضیح مورد لازم در خود متن آورده شود خلاف امانتداری در سبک و روال کار نویسنده است و مترجم متهم به تفسیرنویسی و یا معنی کردن مطلب می‌شود. آنچه ضروری است به تناسب موضوع ترجمه، در پاورقی مورد توجه قرار گیرد عبارتست از:

- شرح مناطق و یا اسامی جغرافیایی.
- سوابق و اسامی تاریخی.
- آداب و رسوم و آیین‌های ملی.
- اساطیر، انتشارات و تمثیلات.
- سبک نویسنده به ویژه بازی با کلمات که قابل انتقال به متن نیست.
- واحد پول، وزن، اندازه‌گیری و ...

سطح ترجمه:

سطح هر ترجمه بر اساس نیازسنجی مخاطبان آن تعیین می‌شود. خواننده هر ترجمه دارای اطلاعات، تجربه، تمایل، ذوق، توانایی و انتظاراتی است. سن معینی دارد و به قشر اجتماعی خاصی تعلق دارد و این عوامل مقتضیاتی است که باید لحاظ شود و موقعیت هر ترجمه بسته به آنهاست.

همانطور که نویسنده خوب هنگام نوشتن، مخاطبان خود را در نظر دارد، یک مترجم نیز علاوه بر آنکه باید مخاطبان متن مبدأ را در نظر بگیرد، مخاطبان مقصد را نیز باید مدنظر قرار دهد و به این نکته توجه داشته باشد که حتی اگر یک پیام را برای گروه‌های مختلف با یک فرهنگ می‌نویسد باید آن را برای افراد مختلف به گونه‌های متفاوت بنویسد. از همین رو اطلاع از گروهی که نویسنده اصلی برایشان نوشته و گروهی که ترجمه برایشان انجام می‌شود دارای اهمیت است و آنچه سطح ترجمه را متفاوت می‌سازد میزان اطلاعات عمومی و سطح تحصیلات مخاطبان است.

از سوی دیگر نباید فراموش کرد که مترجم نیز باید در زمینه متنی که می‌خواهد ترجمه کند اطلاعات و دانش کافی داشته باشد تا بتواند از عهده ترجمه دقیق آن متن برآید.

اینکه ترجمه انجام شده مناسب برای چه مقطع تحصیلی بوده و به عنوان کتاب درسی یا کمک درسی استفاده می‌شود و اینکه مخاطبان خاص داشته باشد یا قابل استفاده برای عموم باشد، با توجه به سطح ترجمه تعیین می‌شود که البته این عامل یکی از عوامل تعیین موارد بالاست و عواملی دیگر همچون موضوع متن ترجمه شده نیز در این امر دخیل است.

نکات لازم در ترجمه متون عربی:

برخی از نکاتی که در ترجمه متون عربی با رویکرد دینی لازم است رعایت شود:

- آشنایی کامل با دستور زبان عربی.
- یافتن معنای لغات از کتب مرجع و اکتفا نکردن به گمان شخصی.
- شناخت عرف زمان شارع برای دستیابی به معنای مقرررات و ترکیب‌ها از طریق مراجعه به فرهنگ نامه‌های کهن و ...
- بنا گذاشتن بر اصل عدم ترادف واژگان و دستیابی به تفاوت معانی واژگان.
- پرهیز از تفنن در عبارت و برگردان یکسان هر واژه در همه جا (حتی الامکان یک واژه، همه جا، به یک صورت معنا شود).
- توجه به پیام اصلی کلمات و ترکیبات، جدا از ساختار نحوی آنها (مثلاً «لَو» و «إِنْ» همیشه برای شرط و تأکید نیست گاه «لَو» برای تمنا و «إِنْ» فقط حرف ربط است).
- بیان معنای کنایه‌ای برخی الفاظ، در پاورقی.
- توجه به معنای الفاظ مشترک و منقول
- تابعیت فهرست منابع در ترجمه از متن اصلی.

نکاتی درباره ترجمه آیات و روایات:

- در ترجمه قرآن باید به تفسیر توجه داشت زیرا گاهی خود لفظ یا معنای لفظ فهمیده نمی‌شود.
- استفاده از ترجمه‌های شناخته شده و روان در خصوص آیات شریفه و احادیث (مثلاً برگردان آیت الله مکارم در ترجمه آیات و برگردان مرحوم دشتی در ترجمه نهج البلاغه).
- پایبندی کامل به ترجمه تحت اللفظی در برگردان آیات و روایات ضمن حفظ زیبایی و روانی ترجمه.
- اعراب گذاری آیات و روایات.
- آوردن محل استشهاد روایات طولانی در متن و ارجاع مخاطبان به بقیه آن.
- ترجمه فارسی اسم ظاهر (پیامبر خدا، امام و ...) وقتی در متن اصلی با ضمیر به آنها اشاره می‌شود (عنه، منه و ...).
- ترجمه با تفسیر و تاویل متفاوت است. ترجمه قرآن یعنی معنای ظاهری آیات اما تفسیر یعنی پرده برداری و کشف معنای مراد از آیات قرآن و مقصود و دلالت آیات و تاویل هم به معنای بیان مصداق آیات قرآن است که توسط معصومین بیان می‌شود.

سایر نکات:

- حذف ارجاعات پایان هر فصل یا باب و زیرنویس آنها در ترجمه فارسی بدین شکل: «ر.ک» یا «ن.ک»
- آوردن توضیحات و تحلیل‌های ضروری از سوی مترجم، در پاورقی.
- ذکر نام منبع اصلی در صفحه شناسنامه یا مشخصات.
- ذکر ترجمه شعرها و نقل قول‌ها در متن و آوردن اصل آن در پاورقی.

تکنیک‌های لازم برای ترجمه متون تخصصی:

تکنیک اول: در راستای هدف متن، ترجمه کنید:

واضح بودن و رسیدن به مفاهیم متن، هدف اصلی ترجمه تخصصی است که باید معنای مفاهیم دقیق متن اصلی را بیان کند. عبارات ابهامی و ساختارهای پیچیده ویژگی‌های متون ادبی است و نباید در ترجمه متون تخصصی مورد استفاده قرار گیرد. این سخت‌ترین کار در ترجمه تخصصی است. پیدا کردن واژه‌های درست می‌تواند گاهی اوقات چالشی بزرگ برای مترجمین تازه کار باشد که در صورت عدم استفاده درست، موجب ابهام و گاهی تناقض در متن باشد. پیدا کردن جایگزین مناسب برای کلمات علمی همواره کار آسانی نیست و پیش‌نیاز آن تسلط مترجم بر زمینه تخصصی متن است.

مسئله عنوان شده بدون شک مهم‌ترین **تکنیک ترجمه مقاله** است. زمانی که قصد ترجمه مقاله دارید حتماً بایستی به ساده نویسی توجه داشته باشید. ساده نویسی به معنای بیان اصل مسئله در قالب کلمات دقیق و روشن است و باید در استفاده از کلماتی که موجب ابهام خواننده می‌شود، خودداری نمایید.

تکنیک دوم: نیم‌نگاهی به اشتباهات داشته باشید:

آنچه در میان مترجمان تخصصی معمول است، توانایی آنها در اصلاح اشتباهات کوچک در متن اصلی است که این مسئله نیازمند این است که متن را با دقت مطالعه نمایند. اشتباهات رایج در کارهای علمی عبارتند از: عدم انطباق بین اعداد ذکر شده در جداول، اشاره اشتباه به نمودارها، و اشکالات تایپی در نمادها. در این مورد به مترجم توصیه می‌شود که چنین اشتباهاتی را با ذکر در براکت‌ها یا پاورقی‌ها اصلاح کند.

توجه کنید مترجم *امانت دار متن است و نمی‌تواند بدون ذکر متنی را به دلخواه تغییر دهد. هرگونه تغییر در متن اصلی باید به صورت کاملاً واضح در ترجمه عنوان گردد. برای مطالعه بیشتر از مقاله ”مشکلات بزرگ ناشی از اشتباهات کوچک ترجمه” دیدن فرمایید.*

تکنیک سوم: تغییر ساختار دستوری متن

اگر قواعد دستوری در دو زبان مبدا و مقصد متفاوت است، نیاز است تا متن متناسب با ساختار زبان مقصد تغییر یابد. به عنوان مثال، زبان‌هایی مانند روسی و آلمانی جملات می‌تواند زنجیره‌ای طولانی از کلمات باشند. در این زبانها جملات طولانی بسیار متداول بوده و در ترجمه نیازی به کوتاه سازی جملات وجود ندارد. از سوی دیگر، جملات خیلی طولانی در زبان انگلیسی اصلاً متداول نبوده و بایستی اصلاح شوند. در این مورد، مترجم برخی از تغییرهای ساختاری و معنایی را در ترجمه

متن باید انجام دهد تا به متن سلیس دست یابد. مهمترین چالش در این زمینه ثابت نگه داشتن احساسات و مفاهیم متن است زیرا با تغییر جمله بندی برخی از این موارد تغییر می یابد. توجه داشته باشید در زبان فارسی جملات معمولاً کوتاه بوده و جملاتی که در چند خط بیان می شوند بسیار نادر هستند. یکی از تکنیک های مهم در ترجمه متون انگلیسی استفاده از جملات کوتاه است. با تمرین سعی کنید این مهارت را در خود به عنوان یک مترجم تخصصی افزایش دهید.

تکنیک چهارم: خواندن متون علمی در زمینه تخصصی

به منظور ایجاد یک ترجمه تخصصی بی عیب و نقص، مترجم باید تا حد امکان بر زمینه تخصصی متن آگاه باشد. خواندن آخرین کتابها و مجلات علمی به شما کمک می کند مهارت های ترجمه خود را بهبود ببخشید. دوفایده مهم در مطالعه متون تخصصی این است که اولاً شما با اصطلاحات و سبک این متون تخصصی آشنا خواهید شد. در مرحله دوم، شما با آخرین تحقیقات و اکتشافات علمی آپدیت خواهید شد، که به شما کمک می کند به راحتی مفاهیمی که می خواهید ترجمه کنید را درک نمایید. شما می توانید یک وبلاگ در زمینه ای که به ترجمه تخصصی می پردازید ایجاد نمایید و در آن قسمت هایی جهت تحقیقات علمی و اخبار ایجاد کنید. شما می توانید مقالات آموزشی بنویسید و سپس آنها را به زبانهای دیگر ترجمه کنید (به یاد داشته باشید که برای جلوگیری از نقض حق نسخه برداری حتما درج کنید که کسی بدون ذکر منبع، اجازه استفاده از مطالب ایجاد شده توسط شما را ندارد). این یک ایده خوب مخصوصاً برای مترجمین تازه کاری است که مایل به کسب تجربه در ترجمه تخصصی هستند. به یاد داشته باشید که هرچه بیشتر شما در یک رشته و گرایش ها و زمینه های تخصصی آن مسلط شوید، نوشتن و ترجمه متون تخصصی برای شما ساده تر و سریعتر خواهد بود.

تکنیک پنجم در ترجمه تخصصی: توجه به اعداد و نمادها

در متون تخصصی بسیاری از اعداد، فرمولها، نمودارها و نمادها وجود دارد که نباید فرآیند ترجمه آن را نادیده گرفت. مفهوم انتقالی در یک صفحه کامل یا حتی فصل را می تواند تغییر کند، اگر مترجم به اشتباه اعداد یا نمادی را اضافه کند. برای جلوگیری از این مسئله، مترجم باید به خوبی موضوع را درک کند. مترجم تخصصی باید توجه زیادی به تمام چیزهای کوچک داشته باشد.

تکنیک ششم: همیشه ترجمه خود را ویرایش کنید

یک تکنیک موثر و خوب در ترجمه تخصصی، این است که پس از تکمیل ترجمه، از یک مترجم دیگر برای اصلاح کار خود کمک بخواهید. بهتر است از مترجمان دیگری که تجربه ترجمه متون تخصصی در این زمینه دارند استفاده نمایید. به این ترتیب، تمام اشتباهات احتمالی که متوجه نشده اید، اصلاح می شود.

تکنیک هفتم: تطبیق سبک خود را به نوع سند

در متون علمی و تخصصی، انواع مختلفی از متون که نیاز به فرمت های مختلفی دارند، وجود دارند. اگر شما ترجمه کار آکادمیک هستید، باید در سبکی علمی با عبارات پیچیده و کلمات کمتر رایج ترجمه کنید. از سوی دیگر، اگر میخواهید متنی در مورد کاتالوگ ها یا دستورالعمل های دارویی صحبت می کنیم، بایستی از سبکی متفاوت با سبک آکادمیک استفاده کنیم. این متون توسط افراد عادی یا مبتدیان در زمینه های تخصصی خوانده می شود. به همین دلیل نحوه نوشتار باید بیشتر در دسترس و قابل درک باشد. سبک یک مترجم تخصصی در ترجمه مقاله باید بسیار روشن و مختصر باشد.

منابع

- حدادی، محمود، مبانی ترجمه، جمال الحق، ۱۳۷۲.
- رشیدی، غلامرضا، ترجمه و مترجم، مشهد: شرکت به نشر ۱۳۷۸.
- سمت، فن ترجمه اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی، ۱۳۸۰.
- صدر، غلامحسین و افشار، نیلوفر، فرهنگ مترجم، ۱۳۷۳.
- صفارزاده، طاهره، اصول و مبانی ترجمه، نشر همراه، ۱۳۸۰.
- صفوی، کورش، هفت گفتار درباره ترجمه، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
- فرخزاد، فرزانه، نخستین درس های ترجمه، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
- کیبیری، قاسم، اصول و روش ترجمه، تهران: رهنما، ۱۳۷۴.
- لطفی پور ساعدی، کاظم، درآمدی بر اصول و روش ترجمه، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- مختاری، محمد علی و رهنما، هفده گفتار در اصول، روش و نقد ترجمه، ۱۳۷۵.
- میمنندی نژاد، محمدجواد، اصول ترجمه، تهران: مؤسسه انتشارات چاپ، ۱۳۵۸.
- هژبرنژاد، حسین، آیین ترجمه، تهران: دونور ۱۳۷۲.

* برای مطالعه تعاریف متعدد از ترجمه رجوع کنید به: حسین هژبرنژاد، آیین ترجمه، تهران، دونور ۱۳۷۲، ص ۳۱-۱۹؛ کاظم لطفی پور ساعدی، درآمدی بر اصول و روش ترجمه، تهران؛ نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱، ص ۷۰-۶۶؛ محمدعلی مختاری اردکانی، هفده گفتار در اصول، روش و نقد ترجمه، تهران: رهنما، ۱۳۷۵، ص ۸۶.

برای مطالعه بیشتر انواع ترجمه می‌توانید مراجعه کنید به: کاظم لطفی پور ساعدی، درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴، ص ۷۵-۷۰ و مقاله و کورش صفوی، هفت گفتار درباره ترجمه، تهران: نشر مرکز، کتاب ماد، ۱۳۸۲، ص ۱۷-۱۱.

فن ترجمه (عربی - فارسی):

*** یکی از کتاب های مهم و مفید در زمینه اصول ترجمه کتاب فن ترجمه (عربی - فارسی) نوشته دکتر رضا ناظمیان است. در اینجا به بخشی از مطالب فصل اول این کتاب اشاره می شود:

فصل اول

انواع متن و روشهای ترجمه

هدفهای رفتاری

با مطالعه این فصل از دانشجو انتظار می‌رود:

- ۱- متن اطلاعاتی را از متن توصیفی تشخیص دهد.
- ۲- روشهای ترجمه انواع متن را بشناسد.
- ۳- تفاوتهای ترجمه معنایی و ارتباطی را بداند.
- ۴- واحد ترجمه را در دو شیوه مختلف ترجمه، توضیح دهد.
- ۵- شیوه مناسب ترجمه هر متن را تشخیص دهد.
- ۶- مفهوم رعایت امانت را در ترجمه توضیح دهد.
- ۷- تفاوتهای ترجمه معنایی و ارتباطی را در یک متن ترجمه شده بررسی کند.
- ۸- عوامل مؤثر در تشخیص سبک نویسنده را بداند.
- ۹- تفاوتهای متون کهن و معاصر را بشناسد.
- ۱۰- ویژگیهای متن ساده را بداند.

ویژگیهای مترجم

ترجمه یعنی برگرداندن دقیق و طبیعی نوشته یا گفته‌ای از زبانی به زبانی دیگر. مترجم برای ارائه ترجمه‌ای دقیق و رسا باید از سه ویژگی برخوردار باشد:

۱- آشنایی کامل با زبان مبدأ. در ترجمه از عربی به فارسی، زبان مبدأ عربی و زبان مقصد فارسی است. دانستن معنای کلی متن مبدأ برای ترجمه کافی نیست بلکه مترجم باید مفاهیم دقیق و ضمنی و بار عاطفی کلمات را دریابد و ظرایفی را که به سبک و شیوه بیان نویسنده مربوط می‌شود درک کند.

۲- تسلط بر زبان مقصد. تسلط بر زبان مقصد از شناخت کامل زبان مبدأ مهمتر است. چرا که ترجمه از دو مهارت عمده درک و بیان شکل می‌گیرد. درک، شامل آشنایی با زبان مبدأ در حد استخراج جنبه‌های مختلف معنا از متن می‌شود و بیان به معنای بازنویسی معنای برگرفته از متن مبدأ بر اساس معیارهای زبانی و فرهنگی زبان مقصد است. در مقایسه بین توانایی درک و قدرت بیان باید برای بیان اهمیت بیشتری قائل شویم، زیرا ترجمه، حادثه‌ای است که در زبان مقصد اتفاق می‌افتد و مترجمی که به رموز و ظرایف زبان مادری خود مسلط باشد و امکانات و تواناییهای آن را بداند می‌کوشد تا برای انتقال مفهیمی که در زبان مبدأ بیان شده است، قالبهای بیانی رسا و شیوایی در زبان مقصد بیابد و پیام یا تأثیر را به بهترین و طبیعی‌ترین شکل به مخاطب انتقال دهد. بیشترین و فاحش‌ترین اشتباهات مترجمان ناشی از عدم تسلط آنان به زبان مقصد است. مطالعه آثار نویسندگان معاصر فارسی و خواندن مطالب سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مطبوعات و آشنایی با آثار ادبی نویسندگان گذشته، بر قدرت بیان مترجم می‌افزاید.

۳- آشنایی با موضوع مورد ترجمه. آشنایی با موضوع متن اصلی، نقش مهم و بسزایی در توفیق مترجم برای ارائه ترجمه‌ای صحیح و روان دارد. علوم و دانشهای مختلف، سرشار از اصطلاحات و تعابیری هستند که مرز و محدوده آنها را از یکدیگر تفکیک می‌کند. مترجمی که می‌خواهد کتابی را در موضوع روانشناسی ترجمه کند اگر در این زمینه مطالعه نداشته باشد و اصطلاحات مربوط به آن را نشناسد از عهده ترجمه چنین کتابی بر نمی‌آید. نیمی از ترجمه، علم و مهارت و نیمی دیگر ذوق و هنر است. آشنایی با زبان مبدأ و موضوع مورد ترجمه، جنبه علم بدون ترجمه را تفسیر می‌کند و تسلط بر زبان مقصد و انتخاب معادلهای مناسب در سطح ساختارهای دستوری و واژگانی و شناخت روحیه نویسنده و مخاطب، ناظر به هنر بودن ترجمه و ذوقی بودن آن است.

انواع متن

مترجم در ترجمه متن با نقشهای مختلف زبان سروکار دارد. انواع متن را بر حسب بارزترین نقش زبان می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱- **متنهای اطلاعاتی:** هدف متنهای اطلاعاتی صرفاً انتقال اطلاعات است. در این گونه متنها، زبان ابزاری است برای بیان نیازها، گزارش حوادث و رویدادها، توضیح و تبیین مطالب و یا آموزش. اخبار، گزارشها، مقاله‌های علمی و فنی، درسنامه‌ها، قراردادهای، اطلاعیه‌ها و متون تحلیلی از بارزترین متنهای اطلاعاتی به‌شمار می‌آیند.

۲- **متنهای توصیفی:** در متنهای توصیفی، زبان ابزاری است برای توصیف احساس یا صحنه و یا حادثه‌ای خاص. هدف از متنهای توصیفی این است که احساس خاصی را در خواننده به‌وجود آورد. قدرت توصیف در چنین متنهایی گاه به‌گونه‌ای است که خواننده می‌تواند ویژگیهای بسیار دقیق و جزئی مربوط به صحنه یا رویداد را در ذهن خود مجسم کند. بارزترین نمونه متنهای توصیفی، متون ادبی است. نحوه تنظیم و بیان مطالب، متون ادبی را از متون اطلاعاتی متمایز می‌سازد. به‌عبارت دیگر توصیف ادبی یک رویداد با توصیف خبری یا علمی آن تفاوت‌های بسیاری دارد. طبیعی است که نمی‌توان یک متن را کاملاً اطلاعاتی یا توصیفی دانست. چرا که در هر نوشته‌ای دو ویژگی اطلاع‌رسانی و توصیف در هم می‌آمیزند. حتی در نوشته‌های کاملاً اطلاعاتی، نگرش عاطفی و زمینه ادبی و هنری نویسنده رنگ و تأثیر خود را بر شیوه بیان اخبار و اطلاعات و گزارش حوادث می‌گذارد. مترجمی که نوع متن و هدف اطلاع‌رسانی و توصیفی بخشهای مختلف آن را تشخیص بدهد شناخت و برداشت درستی از ترجمه دارد و در انتقال معنا یا تأثیر متن به مخاطب خویش موفق است.

روشهای ترجمه

۱- **ترجمه معنایی:** ترجمه معنایی، معنا و مفهوم متن مبدأ را با نزدیکترین ساختهای دستوری و معنایی زبان مقصد، منتقل می‌کند. مترجم در این روش، بی‌آنکه تغییرات دستوری یا لغوی در متن ایجاد کند آن را لفظ به لفظ به زبان مقصد برمی‌گرداند. ترجمه معنایی به متن وفادار است و ویژگیهای ترجمه تحت‌اللفظی را دارد

و به زبان مبدأ متمایل است. از ترجمه معنایی برای ترجمه متون توصیفی یا عناصر توصیفی متنهای اطلاعاتی و نیز ترجمه متون مقدس استفاده می‌شود.

۲- ترجمه ارتباطی. ترجمه ارتباطی ترجمه‌ای است که پیام متن مبدأ را با متداولترین کلمات و عبارات و ساختهای دستوری به زبان مقصد برمی‌گرداند. در ترجمه ارتباطی، مترجم بر اساس معنای اولیه کلمات، معادل‌یابی نمی‌کند، بلکه تلاش می‌کند بر اساس معنای کلمه در بافت متن معادل‌یابی کند. متون اطلاعاتی و عناصر غیرتوصیفی در متنهای توصیفی به شیوه ارتباطی ترجمه می‌شوند.

ویژگیهای ترجمه معنایی و ارتباطی

در جریان ترجمه، مترجم با دو زبان مبدأ و مقصد درگیر است. مترجم باید از یک سو تلاش کند که خواننده، ترجمه‌اش را دریابد و از سوی دیگر مراقب باشد پیام یا معنا تحریف نشود. مترجم در این میان با توجه به عواملی از قبیل نوع متن، هدف ترجمه و میزان اهمیت کلمات و عبارات متن مبدأ، گاه به خواننده و گاه به نویسنده توجه بیشتری نشان می‌دهد، یعنی میزان معنایی یا ارتباطی بودن ترجمه را تعیین می‌کند.

ویژگیهای ترجمه معنایی و ارتباطی عبارتند از:

۱- ترجمه معنایی معمولاً موجز، ناهموار، نامأنوس و احياناً مبهم است زیرا از افزایش و کاهش در ترجمه می‌پرهیزد. در ترجمه معنایی، برخی از مفاهیم معنایی و ویژگیهای دستوری زبان مبدأ وارد زبان مقصد می‌شود و خواننده احساس می‌کند با زبانی غیرمعمول روبرو است. زیرا ترتیب کلمات و اجزای کلام از متن اصلی پیروی می‌کند و ترجمه، رنگ و بوی زبان مبدأ را به خود می‌گیرد.

اما ترجمه ارتباطی غالباً مفصلتر از متن اصلی است. زیرا مترجم می‌کوشد مفهوم را در قالب نثری روان به خواننده منتقل کند و به همین دلیل گاه مجبور می‌شود مفاهیم را گسترش دهد یا تفسیر کند و برای ایجاد تأثیری مشابه در خواننده از تعابیر مترادف استفاده کند و به‌طور کلی به افزایش و کاهش در ترجمه پردازد، بی‌آنکه در مفهوم یا پیام متن اصلی تغییری ایجاد کند. از این‌رو است که ترجمه ارتباطی، سریع و راحت خواننده می‌شود ولی خواندن ترجمه معنایی کند و دشوار است.

انواع متن و روشهای ترجمه ۵

۲- ترجمه معنایی به نویسنده توجه بیشتری دارد تا خواننده. پیچیدگیهای دستوری یا واژگانی متن مبدأ در ترجمه حفظ می‌شود و همین امر باعث می‌شود ساختهای دستوری و تعابیر مجازی و یا استعاری یا کنایی به نزدیکترین معادلها ترجمه شده و در معنای اولیه خود به کار روند حتی اگر در زبان مقصد متداول نباشند. مترجم از سطح زبانی نویسنده پیروی کرده و فرآیندهای فکری و تخیلی او را دنبال می‌کند.

اما ترجمه ارتباطی اولویت را به خواننده می‌دهد و سعی می‌کند محتوا یا پیام را از نزدیکترین راه به خواننده برساند. مترجم در ترجمه ارتباطی، همواره در این نگرانی به سر می‌برد که آیا خواننده، پیام متن اصلی را دریافته است یا نه؟

۳- در ترجمه معنایی، ویژگیهای فرهنگی زبان مبدأ در نثر ترجمه انعکاس می‌یابد اما در ترجمه ارتباطی، عناصر فرهنگی متن اصلی به ترجمه انتقال نمی‌یابد بلکه با عناصر فرهنگی آشنا برای خواننده، جایگزین می‌شود. به عنوان مثال در فرهنگ و ادبیات عربی، قامت یار به درخت «بان» که از انواع گیاهان نواحی گرم و خشک به شمار می‌آید، تشبیه می‌شود. در ترجمه ارتباطی، مترجم به جای آوردن نام درخت بان از نام درخت سرو استفاده می‌کند.

۴- در ترجمه معنایی، ضعفها و نقصها و بی‌دقتی‌های نویسنده در زمینه ساخت دستوری و کاربرد کلمات و تعابیر، در ترجمه منعکس می‌شود و خواننده ترجمه می‌تواند نامتعارف بودن دستوری یا واژگانی جمله را تشخیص دهد و مواردی را که نویسنده آنها را مبهم گذاشته یا به اطناب و تفصیل گراییده به عیان ببیند.

اما در ترجمه ارتباطی این ضعفها و بی‌دقتی‌ها تصحیح می‌شود زیرا در این نوع از ترجمه، مترجم خواننده را در نظر می‌گیرد و می‌کوشد پیام را صریح و روشن به او منتقل کند. به عبارت دیگر در ترجمه ارتباطی، مترجم در خدمت خواننده است و برای او انتقال پیام و وضوح کلام مهمتر از ظرافتهای سبکی نویسنده است.

واحد ترجمه

بخشی از متن مبدأ که از سوی مترجم به عنوان واحدی برای معادل‌یابی در نظر گرفته می‌شود واحد ترجمه نام دارد. واحد ترجمه می‌تواند کلمه، جمله یا بند (پاراگراف) باشد:

۱- کلمه

در ترجمه معنایی واحد ترجمه، کلمه است. بدین معنا که در برابر هر واژه متن مبدأ واژه‌ای از زبان مقصد آورده می‌شود. این نوع از ترجمه برای برگرداندن بسیاری از واژه‌های مرکب، تعابیر و اصطلاحاتی به کار می‌رود که معادل دقیقی برای آنها در زبان مقصد موجود نیست. به این ترکیبها توجه کنید:

نارالقری: آتش مهمانی (آتشی که عربها در صحرا می‌افروختند تا مسافران صحرا را به خیمه و خرگاه خود جلب کرده و آنان را مهمان کنند).

بیت عربی: خانه‌ای عربی (خانه‌ای که دارای یک شبستان یا سائنی دایره‌ای شکل یا دیوان است که بر روی نیمکتهای سنگی اطراف آن تشکچه و پستی قرار دارد و حوض کوچکی نیز وسط آن تعبیه شده است)

۲- جمله

در ترجمه ارتباطی، واحد ترجمه جمله است. یعنی مفهوم جمله معادل بر اساس مفهوم جمله متن اصلی در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، قواعد دستوری و شیوه آرایش کلمات در زبان مقصد رعایت می‌شود و مترجم گاه مجبور می‌شود برای انتقال مفهوم جمله به بسط جمله پردازد. به این جمله ساده و ترجمه‌های آن دقت کنید:

ترجمه معنایی: معده خانه درد است. ترجمه ارتباطی: پرخوری منشأ همه بیماریهاست.	}	«المعدة بيتُ الداء».
--	---	----------------------

مترجم در ترجمه این جمله با درک اینکه کلمات، اهمیت ذاتی ندارند و مهم برای گوینده یا نویسنده این است که مخاطب، پیام موجود در جمله را دریابد، آن را به صورت ارتباطی ترجمه کرده است. در ترجمه ارتباطی این جمله، مترجم هیچ یک از کلمات را ترجمه نکرده اما این اطمینان را دارد که مفهوم و پیام جمله را منتقل کرده است.

۳- بند

گاه واحد ترجمه، بند یا پاراگراف است. مترجم، مفهوم کلی یک بند را در مجموعه جملاتی از زبان مقصد به دست می‌دهد و معمولاً کلمات یا جملاتی را از متن مبدأ

می‌کاهد یا بر آن می‌افزاید. اگر این افزایش و کاهش، تغییری در مفهوم و پیام ایجاد نکند نوع ترجمه، ارتباطی خواهد بود. اما اگر به کم و زیاد شدن مفهوم و معنا بیانجامد از مقوله ترجمه صرف خارج شده و ویژگیهای تألیف را به خود می‌گیرد و با عنوان ترجمه آزاد یا ترجمه گزارش گونه یا ترجمه و نگارش شناخته می‌شود. به متن زیر و دو شیوه ترجمه معنایی و ارتباطی آن توجه کنید. در ترجمه معنایی، واحد ترجمه، کلمه و در ترجمه ارتباطی، واحد ترجمه، جمله است. تفاوت‌های این دو نوع ترجمه را بررسی کنید:

كان إيديسون ضعيف الذاكرة في شبابه، ففي المدرسة كان ينسى كل ما يتعلمه و لذا كان في مؤخره زملائه من حيث ترتيب الدرجات. و قد ينس منه أساتذته و صرخوا بأنه خفيف العقل، لا فائدة من تعليمه. و الواقع أن إيديسون لم يقض في المدرسة سوى ثلاثة أشهر من حياته كلها و تولت والدته تعليمه في البيت. فكان عملاً رائعاً إذ بدّل إيديسون وجهة العالم الذي نعيش فيه.

ترجمه معنایی: ادیسون در جوانی حافظه‌ای ضعیف داشت. در مدرسه هر چیزی را که یاد می‌گرفت، فراموش می‌کرد. به همین خاطر از نظر نمره در انتهای هم‌کلاسی‌هایش قرار داشت. استادانش از او ناامید شدند و تضریح کردند که او کم عقل است و یاد دادن به او فایده‌ای ندارد. در واقع ادیسون جز سه ماه از همه زندگی خود را در مدرسه نگذراند و مادرش یاد دادن به او را در خانه به عهده گرفت. کار او خیلی خوب بود زیرا ادیسون، چهره جهانی را که در آن زندگی می‌کنیم تغییر داد.

ترجمه ارتباطی: حافظه ادیسون در نوجوانی ضعیف بود و نمی‌توانست درس‌هایش را به خاطر بسپارد. از این رو همیشه کمترین نمره را می‌گرفت معلمها از او ناامید شدند و به صراحت گفتند او کودن است و به درد مدرسه نمی‌خورد. ادیسون در طول زندگی خود فقط سه ماه به مدرسه رفت و این مادرش بود که در خانه به او درس می‌داد. مادر ادیسون شاهکار کرد زیرا او توانست چهره جهان را دگرگون سازد.

بررسی برخی از تفاوت‌های دو ترجمه

مترجم باید کلمه را در قالب جمله و جمله را در چهارچوب متن معنا کند و برای ترجمه کلمه و درک مفهوم جمله از دانستیهای خود در موضوع متن و نیز از عقل و

منطق خویش کمک بگیرد. شباب به معنای جوانی است اما با توجه به اینکه دانش آموز دوره ابتدایی هنوز به دوران جوانی نرسیده است نوجوانی مناسبتر به نظر می‌رسد. در زبان فارسی استاد در دانشگاه تدریس می‌کند و برای دانش آموز کلمه معلم مناسب است. استفاده از تعبیری آشنا چون «به درد مدرسه نمی‌خورد» یا «شاهکار کرد» متن را روانتر کرده و باعث می‌شود خواننده با روانی و سرعت بیشتری متن را بخواند. جمله مرکب از نفی و استثنا معمولاً باعث ناهمواری متن ترجمه می‌شود از این رو حذف نفی و استثنا و آوردن معادلی چون فقط و تنها به روانی جمله کمک می‌کند. در ترجمه ارتباطی که بهترین شیوه برای ترجمه اغلب متون است مترجم برای آفرینش معادلهای نو و جذاب، دقت و تلاش بیشتری می‌کند و می‌کوشد متن ترجمه را هر چه روانتر و پخته‌تر در اختیار خواننده قرار دهد.

انتخاب شیوه در ترجمه

۱- ترجمه معنایی و ارتباطی متضاد یکدیگر نیستند بلکه دو روش هستند که مترجم باید با آگاهی و بینش و تجربه خود در موارد لزوم یکی از دو روش معنایی یا ارتباطی را انتخاب کند، حتی ممکن است در یک متن از هر دو روش استفاده شود.

۲- تردیدی نیست که مترجم باید امانت را رعایت کند اما رعایت امانت در ترجمه از مفاهیم نسبی و اعتباری و متغیر است. به عبارت دیگر در یک جمله، رعایت امانت ایجاب می‌کند مترجم همه کلمات را با دقت و وسواس ترجمه کند و در جمله‌ای دیگر امانت در صورتی رعایت می‌شود که مترجم هیچ یک از کلمات متن اصلی را ترجمه نکند. مثلاً در یک متن فلسفی یا حقوقی یا تعریف اصطلاحات علمی که هدف آن ارائه معناست و کلمات اهمیت ذاتی دارند و هر کلمه با دقت انتخاب شده تا معنای خاصی را برساند رعایت امانت اقتضا می‌کند همه کلمات، ترجمه شوند. در این صورت تنها گزینه پیش روی ما ترجمه معنایی است. اما در جملاتی که هدف نویسنده، انتقال تأثیر است رعایت امانت، انتقال دادن همان تأثیری است که مد نظر نویسنده بوده است نه ترجمه کلمات. مثلاً در ترجمه برخی ضرب‌المثلها یا تعابیر، انتقال تأثیر مهم است که تنها ترجمه ارتباطی از عهده آن بر می‌آید. به این مثالها نگاه کنید:

«إِذَا كَثُرَ الْمَلَّاحِينَ غَرَقَتِ السَّفِينَةُ»

- ترجمه معنایی: اگر ملوانان زیاد شوند کشتی غرق می‌شود.

- ترجمه ارتباطی: آشپز که دو شد آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک.

«مَلَكِيًّا أَكْثَرَ مِنَ الْمَلِكِ»

- ترجمه معنایی: سلطنت طلب‌تر از پادشاه.

- ترجمه ارتباطی: کاسه از آش داغ‌تر.

«رَجَعَ بِخُفْيِ حُنِينٍ»

- ترجمه معنایی: با دو کفش حنین بازگشت.

- ترجمه ارتباطی: دست از پا درازتر برگشت.

۳- انتخاب شیوه ترجمه و میزان معنایی بودن ترجمه و ورود کلمات متن اصلی به متن ترجمه به مخاطب نیز بستگی دارد. به این معنا که ممکن است مترجم بخواهد متن فلسفی کهن و دشواری را به شکلی ساده و به نثر معاصر برای اقشار مختلف خوانندگان ترجمه کند یا آنکه بخواهد متنی علمی و تخصصی را به زبان ساده برای نوجوانان برگرداند؛ در این صورت، شیوه ارتباطی کارایی بیشتری دارد زیرا ترجمه مستقیم کلمات زبان مبدأ، متن ترجمه را دشوار و مبهم می‌سازد.

۴- حتی در ترجمه معنایی نیز مترجم باید از اختیارات محدود خود در زمینه عملکردهای گوناگون دستوری استفاده کند و به ساختهای دستوری جمله در زبان مقصد نیز توجه داشته باشد. به عنوان مثال به این جمله توجه کنید:

«كَانَ إِدِيسُونُ ضَعِيفَ الذَّاكِرَةِ فِي شَبَابِهِ»

ترجمه معنایی: ادیسون در جوانی حافظه‌ای ضعیف داشت.

استفاده از فعل داشتن به جای بودن و تعبیر حافظه‌ای ضعیف به جای ضعیف‌الحافظه که اضافه صفت به موصوف است و شیوه آرایش کلمات نشان می‌دهد که مترجم در ترجمه این جمله از الگوهای دستوری و قالبهای بیانی زبان فارسی پیروی کرده و از اختیارات محدود خود در این زمینه آگاهی داشته است.

سبک در ترجمه

ترجمه خوب، ترجمه‌ای است که بتواند همان تأثیر متن اصلی را در خواننده بگذارد. برای انتقال این تأثیر، رعایت سبک و اسلوب نویسنده، اهمیت زیادی دارد. اما هدف

همهٔ متنها، تأثیر گذاشتن بر خواننده نیست. هدف یک متن فلسفی یا حقوقی، انتقال معنا و هدف یک متن خبری یا گزارشی، اطلاع‌رسانی به خواننده است.

بنابراین مترجم، نخست باید انواع متن را بشناسد و بر اساس نقش خاصی که متن دارد، زبان آن را برای ترجمه بیابد. از سوی دیگر باید به این نکته توجه داشته باشد که نویسنده از چه لحن و زبانی برای انتقال این تأثیر یا اطلاع، سود جسته است. در عین حال مترجم باید این موضوع را در نظر بگیرد که مخاطبان ترجمهٔ او چه کسانی هستند و سطح دانش و اطلاعات زبانی آنان چگونه است. به عبارت دیگر مترجم، نخست باید بداند نویسنده چه گفته و چگونه گفته و برای چه کسانی گفته است؟

پاسخ پرسش اول به شناخت نوع متن و پرسش دوم به شناخت لحن و زبان نویسنده و پرسش سوم به شناخت مخاطب باز می‌گردد. در نظر گرفتن این عناصر و انعکاس دادن آنها در متن ترجمه به معنای رعایت سبک و اسلوب و شیوهٔ نگارش نویسنده از سوی مترجم است.

الف) نوع متن

در صفحات گذشته با انواع متن آشنا شدید و دانستید که متنها به‌طور کلی به دو دستهٔ اطلاعاتی (علمی) و توصیفی (ادبی) تقسیم می‌شوند.

در متن علمی، هر کلمه‌ای در معنای روشن و حقیقی خود به‌کار می‌رود. نوشته علمی، صریح، دقیق، گویا و بی‌ابهام است و آرایه‌های ادبی در آن دیده نمی‌شود. زیرا متن علمی صرفاً برای انتقال مستقیم مفاهیم دقیق علمی نوشته می‌شود. در نوشته‌های علمی، مطالب به‌گونه‌ای بیان می‌شود که خواننده بدون آنکه در کلمات تأمل کند مقصود را دریابد. بنابراین در متن علمی نباید از کلمه‌ای استفاده شود که خواننده، برداشت‌های متفاوتی از آن داشته باشد.

اما در نوشته‌های ادبی سعی می‌شود خواننده، روابط و مناسبات ظریف میان الفاظ را دریابد. به عبارت دیگر، از زبان برای زیبایی‌آفرینی استفاده می‌شود. در متن ادبی، چند پهلوی نوشتن، به‌طوری که بتوان از هر کلمه، برداشت‌های متفاوتی کرد به زیبایی متن می‌افزاید؛ همان‌طور که برای توصیف و تصویر معانی ذهنی و بیان عواطف و احساسات درونی از آرایه‌های ادبی استفاده می‌شود. بنابراین متن ادبی، تنها مراد و مقصود نویسنده

را نمی‌رساند، بلکه می‌کوشد بر رفتار مخاطب تأثیر بگذارد و حتی او را به واکنش وادارد و با خود همراه و هم‌دل سازد.

بیان علمی یک رویداد با توصیف ادبی آن رویداد کاملاً متفاوت است و از نظر واژگان و ساختهای دستوری و کاربردهای معنایی، تفاوت‌های آشکاری دارد. هیچ دلیلی وجود ندارد که نویسنده یک متن علمی را از به‌کار بردن تعبیر «بوسه خورشید بر بیشه و ساحل» برای بیان طلوع آفتاب منع کند، جز اینکه این تعبیر در بافت یک متن علمی، نامأنوس است. بنابراین مترجم، نخست باید نوع علمی یا ادبی بودن متن زبان مبدأ را تشخیص دهد تا بتواند نوع متن ترجمه‌اش را متناسب با آن انتخاب کند.

ب) زبان متن

در زبان فارسی، نثر بیهقی، ابن سینا، بیرونی و ناصر خسرو با نثر جمال‌زاده، بزرگ علوی و جلال آل احمد تفاوت‌های اساسی دارد. در زبان عربی نیز آثار ابن مقفع، جاحظ، ابن‌اثیر و حریری از متون کهن به‌شمار می‌آید و آثار منفلوطی، طه‌حسین، محمود تیمور و ویژگیهای متون معاصر را دارد.

متون کهن از نظر دایره واژگانی و کاربرد کلمات و اصطلاحات و ساختمان دستوری، تفاوت‌های زیادی با متون معاصر دارد. در متون کهن، کلمات و تعبیری به‌کار می‌رفته که در زبان معاصر متروک شده و یا کاربرد بسیار اندکی دارد. در عین حال استفاده از کلمات هماهنگ و موزون (سجع) رواج زیادی در متون کهن داشته که هم‌اکنون منسوخ شده است.

کاربرد گستره ضمائر به‌ویژه ضمیر غایب در متون کهن، از ویژگیهای دستوری این متون به‌شمار می‌آید. به‌طوری که در یک سطر از چندین ضمیر استفاده می‌شده که گاه پیدا کردن مرجع این ضمائر با دشواریهایی همراه بوده است. دلیل چنین کاربردی را می‌توان محدود بودن مخاطبان این متون دانست و اینکه نگارش متن در زمان قدیم، بر پایه ایجاز و اختصار، استوار بوده است.

اما در مقابل، متون معاصر بر مبنای شرح و توضیح و تبیین است و معمولاً پیچیدگیهای دستوری و واژگانی در آنها به چشم نمی‌خورد، زیرا برای مخاطبان وسیع و گسترده نوشته می‌شود. به عبارت دیگر، کلمات و اصطلاحات متون کهن، محدود و

ساختمان دستوری آنها پیچیده و گسترده است. اما در متون معاصر، دستور زبان، محدود و ساختمان آن ساده بوده و تحت تأثیر ترجمه از زبانهای اروپایی، عناصر دستوری تازه‌ای وارد زبان شده است. از سوی دیگر، دایره واژگان و اصطلاحات بر اثر تأثیرپذیری از سایر زبانها گسترش یافته است. پیدایش زبان خاص به نام زبان روزنامه یا خبر و ترجمه آثار و کتب غربی و سر و کار یافتن اهل قلم با مخاطبان عام و مردم کوچه و بازار که زبان پیچیده و مغلق کهن و نثر مکلف آن را نمی‌فهمند از مهمترین دلایل ساده شدن زبان است. این عوامل باعث شد اصطلاحات و تعبیرات و تشبیهات و استعارات پیچیده‌ای که فقط ادبا و منشیان درباری آنها را به کار می‌بردند، منسوخ شده و زبان به سادگی گراید.

مترجم، پیش از ترجمه متن، باید تعیین کند که زبان متن مبدأ به چه دوره‌ای اختصاص دارد. آیا متن زبان مبدأ، جزء متون کهن به‌شمار می‌آید یا از متون معاصر است؟ مترجمی که بخشی از کتاب تاریخ طبری را ترجمه می‌کند باید این متن را به‌گونه‌ای ترجمه کند که این احساس را در خواننده به‌وجود آورد که یک متن کهن را می‌خواند.

به این متن که از کتاب «مقامات حریری» متعلق به دوره عباسیان انتخاب شده، توجه کنید. ترجمه اول معنایی است و زبان متن در نثر ترجمه، حفظ شده و ویژگیهای متن کهن را دارا می‌باشد. و ترجمه دوم ارتباطی و به زبان فارسی معاصر است:

فَقُلْتُ لَهُ: مَا أُعْزَرَ وَبَلِّكَ! فَقَالَ: وَالشَّرْطُ أُمَّلَكَ. فَفَقَّحْتُهُ بِالْدِينَارِ الثَّانِيِ وَقُلْتُ لَهُ: عَوْذُهُمَا بِالْمَثَانِي. فَأَلْقَاهُ فِي فَمِهِ وَقَرَنَهُ بِتَوَامِيهِ وَأَنْكَفَأَ يَحْمَدُ مَغْدَاهُ وَيَمْدَحُ النَّادِيَّ وَنَدَاهُ.
قال البحارث بن همام: فناجاني قلبي بآته ابوزيد و أن تعارجه ليكيد، فاستعدته.

ترجمه اول: او را گفتم: چه سنگین است بارانت. و او گفت: شرط به‌جای باید آورد همی. پس دیناری دیگر به او بداده و گفتمش: دینارها به فاتحه‌الکتاب، تعویذ کن. پس آن در دهان افکند و به همزادش قرین کرد. و همچنان که باز می‌گشت طالع آن روز می‌ستود و به مدح انجمن و عطای آن زبان می‌گشود. حارث بن همام چنین گفت: دلم گواهی داد که او ابوزید است و لنگ رفتنش از بهر کید است. پس خواستمش تا بازگردد به حال نخست.

ترجمه دوم: عجب طبع روانی! و او پاسخ داد: عمل کردن به شرط مهمتر است. یک دینار دیگر به او دادم. و گفتم: بر این دو دینار فاتحه‌الکتاب بخوان تا از کف نرود. آن را در دهانش انداخت و در کنار دینار قبلی نهاد و در همان حال که از بخت خود در آن روز خرسند بود و از این محفل و پولی که به دست آورده بود سر از پا نمی‌شناخت، بازگشت. به دلم گذشت که او ابوزید است و به دروغ، خود را لنگ نشان داده است. پس از او خواستم که مثل آدمهای سالم راه برود.

ج) لحن نویسنده

نویسنده هر متن، لحن خاصی دارد که متناسب با خصوصیات اخلاقی اوست، زیرا سبک نگارش و لحن هر نویسنده به طبع و روحیه وی بستگی دارد. برای مثال در حوزه زبان و ادبیات معاصر فارسی، «باستانی پاریزی» نویسنده‌ای شوخ و بذله‌گو و خوش طبع و خوش بیان است. اما استاد مطهری، نویسنده‌ای جدی است که در نوشته‌هایش از طنز و شوخی و فکاهی استفاده نمی‌کند و همواره با استدلالهای مکرر و زبانی علمی، سعی در اثبات اصول و ارزشهای دینی و اخلاقی دارد. جلال آل احمد، نویسنده‌ای شیرین زبان است اما در نوشته‌هایش از نیش زدن و طنز و تمسخر، خودداری نکرده است. نگاه او انتقادی و دقیق و توصیف‌گر است و تمام زوایای موضوع را به دقت موشکافی می‌کند. در ضمن از ضرب‌المثلها و تعابیر و اصطلاحات عامیانه بهره زیادی می‌گیرد. دکتر شریعتی، طبعی حساس و شاعرانه دارد و نوشته‌هایش سراسر احساس است و با آوردن کلمات و عبارات مترادف و تتابع اضافات و استفاده از تعابیر ادبی، تلاش می‌کند در روح خواننده، تأثیر بگذارد. البته این نوشته‌های سر تا پا احساس از استدلالهای منطقی و حکایتهای تاریخی تهی نیست.

ویژگیهای روحی و فکری و ذوق و طبع نویسندگان در نوشته‌هایشان نیز انعکاس می‌یابد. در ادبیات معاصر عرب نیز نوشته‌های «صلاح السعدنی» طنزنویس معروف مصری، مملو از شوخ طبعی و شیرین زبانی است. اما اگر آثار «عباس محمود العقاد» و «احمد امین» را بخوانید می‌بینید که اندک لحن شوخی یا مسخرگی یا شیرین زبانی و طنزگویی در گفتار و قلمشان نیست و عین مطلب مورد نظرشان را خشک و بی‌پیرایه روی کاغذ آورده‌اند. نثر جبران خلیل جبران، سرشار از احساس شاعرانه و طبع لطیف

است. طبع حساس و برخورد عاطفی وی با مسایل و حوادث، در نوشته‌هایش پیداست. نوشته‌های جبران چنان سرشار از تصاویر بیانی و استعاره‌های زیبا و جذاب است که نوشته‌های او را به پرده‌های نقاشی، مانند کرده‌اند.

مترجم موفق آن است که بتواند در ترجمه‌اش، لحن نویسنده را حفظ کند و لحن نوشته‌اش در ترجمه اثری از توفیق الحکیم با لحن ترجمه‌ای از جبران خلیل جبران متفاوت باشد.

(د) مخاطب

عامل تعیین‌کننده در انتخاب شیوه متن و دایره واژگانی، مخاطب ترجمه است. مترجم در هر متن، مخاطبی را در نظر دارد و متن را برای او ترجمه می‌کند. اگر مخاطب، متن را درک نکند یا در این زمینه با دشواریهایی روبرو شود، مترجم به هدف خود دست نیافته و نتوانسته با خواننده، ارتباط برقرار کند.

مترجم باید میزان توانایی خواننده در درک متن و سطح اطلاعات نحوی و واژگانی او را بداند تا بتواند او را جذب کند و وادار سازد خواندن متن را به پایان برد. متن ترجمه مانند جاده‌ای است که خواننده یا مخاطب ترجمه بر آن گام می‌زند. اگر متن ترجمه دارای جمله‌های طولانی و پیچیده و نامفهوم و کلمات دشوار باشد مانند جاده‌ای سنگلاخ است که در فواصل مختلف، گودال یا مانعی بر سر راه او سبز می‌شود. بی‌گمان، خواننده چنین ترجمه‌ای خیلی زود خسته می‌شود و از پیمودن باقیمانده راه صرف‌نظر می‌کند. بنابراین مترجم هنگام ویرایش متن ترجمه باید با آگاهی از سطح دانش و میزان حوصله خواننده، خود را جای او بگذارد و اگر خودش متن را می‌فهمد انتظار فهمیدن آن را از خواننده داشته باشد.

رعایت شیوه بیان و سبک نویسنده، تابعی از رعایت سطح دانش و ادراک مخاطب ترجمه است. به این معنا که ممکن است مترجم بخواهد متنی کهن را برای مخاطبان عام به شکلی ساده و به نثر معاصر ترجمه کند، یا آنکه بخواهد متنی علمی و تخصصی را به زبان ساده برای نوجوانان ترجمه کند، در این صورت، رعایت سبک و زبان نویسنده به شکلی که پیشتر گفتیم ضرورتی ندارد. برای مثال، ترجمه متون مذهبی و معارف اسلامی معمولاً به انگیزه آشنایی نسل جوان با این متون صورت می‌گیرد و با

توجه به اینکه این متون، به ویژه کتابهای تفسیری و کلامی و روایی به زبان عربی سده‌های پیش نوشته شده و از نظر شیوه بیان، غالباً نثری رسمی و فاخر دارد، رعایت سبک و زبان این گونه‌ها تنها ضروری نیست بلکه چنین متونی باید به زبان ساده ترجمه شود تا برای همه اقشار جامعه قابل فهم باشد. در ترجمه این متون، مخاطب نقش اصلی را ایفا می‌کند و میزان دانش و آگاهی او باید مدنظر مترجم قرار گیرد. مخاطبان ترجمه به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- مخاطب خاص

مخاطب خاص، محدوده گسترده‌ای را شامل می‌شود اما دو گونه از مخاطبان خاص، عینی‌تر به نظر می‌آیند:

الف) اهل قلم و تحصیل کردگان. در متنی که برای این گونه مخاطبان ترجمه می‌شود، ساده‌نویسی و تأکید بر شرح و توضیح مفاهیم، ضرورتی ندارد و به توضیح اصطلاحات، تعبیر و اشارات نیازی نیست و اصطلاحاتی چون «قیاس مع الفارق»، «اسب ترزا»، «حدیث متواتر» و «استقراء» در متن دیده می‌شود. الگوهای بیانی و ادبی همچون تعبیر تشبیهی، استعاری و کنایی و مجازگویی‌ها در متن ترجمه انعکاس می‌یابد. البته این دسته از مخاطبان را نیز می‌توان به گروههای مختلفی تقسیم کرد. برای مثال، اگر مترجم، شعری را از «بدر شاکر السیاب» که از پیشگامان شعر نو در ادبیات معاصر عرب است تنها به منظور انتقال پیام اصلی شعر برای عموم علاقه‌مندان شعر معاصر عربی ترجمه می‌کند می‌تواند زبان مجاز و استعاره و به‌طور کلی الگوهای ادبی این شعر را در ترجمه، منعکس نکند و برخی از صور بیانی را نادیده بگیرد، اما اگر هدف از ترجمه چنین شعری، شناساندن شاعر و ویژگیهای بیانی وی و انتقال دقیق تأثیر ادبی بر اهل زبان مقصد باشد، نادیده گرفتن صور بیانی و زبان مجاز و استعاره شعر به معنای عدم رعایت امانت و تحریف معنا و مخدوش بودن ترجمه خواهد بود.

اگر مخاطبان این ترجمه، دانشجویان ادبیات عربی باشند، مترجم باید علاوه بر رعایت دقیق الگوهای بیانی، اصل عربی تعبیر مجازی و استعاری را در پانویس بیاورد تا خواننده، علاوه بر دریافت معنا و پیام، فضایی برای تجربه، مقایسه و قضاوت درباره

ترجمه داشته باشد. می توان گفت مخاطبان فصلنامه‌های دانشگاهی و ماهنامه‌های ادبی، تحصیل کردگان و اهل قلم هستند و مقاله‌ای که برای چاپ در چنین نشریاتی ترجمه می‌شود لزوماً باید چنین مخاطبانی را مد نظر قرار دهد.

ب) کودکان و نوجوانان. مترجمی که برای کودک یا نوجوان، ترجمه می‌کند علاوه بر رعایت ویژگیهای ساده‌نویسی، باید دایره واژگانی محدودی استفاده کند و اصطلاحات را در متن، توضیح دهد. اگر هدف ترجمه آن است که در مخاطب، تأثیر بگذارد طبیعی است که ترجمه برای کودک و نوجوان باید به زبانی صورت بگیرد که برای چنین مخاطبی آشنا و ملموس باشد یعنی زبانی شبیه به زبان تألیف ادبیات کودک و نوجوان.

۲- مخاطبان عام

در متونی که برای عموم مخاطبان، ترجمه می‌شود، باید سطح متوسط اطلاع و آگاهی در نظر گرفته شود. نوشته‌های مطبوعاتی، کتابهای اطلاعاتی، گزارشها، آگهی‌های تبلیغاتی و تجاری، مخاطبان عام را در نظر می‌گیرند. متنی علمی که برای مخاطبان عام ترجمه می‌شود و شیوه ترجمه آن ارتباطی است باید ساده و بی‌تکلف نوشته شود. ویژگیهای یک متن ساده از این قرار است:

۱- زبان متن، صمیمی و نزدیک به زبان گفتار است. وقتی زبان نگارش به زبان گفتار نزدیک شود، روح و تحرک بیشتری می‌یابد.

۲- جمله‌ها کوتاه و روان هستند. هرچه جمله‌ها کوتاهتر باشند مفهوم را زودتر و بهتر می‌رسانند.

۳- کلمه‌ها و عبارتهای دشوار در آن نیست و بی‌دلیل به مطالب، شاخ و برگ داده نمی‌شود.

۴- عبارتها و کلمه‌های زاید و بی‌نقش همچون تکیه کلامها، کلمات مترادف و جمله‌های معترضه در آن دیده نمی‌شود.

۵- کلی‌گویی و ابهام در متن نیست و مخاطب، مقصود و مراد متن را به خوبی می‌فهمد.